

نظری به
اقتصاد پژوهش
در ایران

تحقیقات علمی در زمینه‌های مختلف را از ابعاد گوناگونی چون جامعه‌شناسی، برنامه‌ریزی، مدیریت، سیاست و اقتصاد میتوان مورد بررسی قرارداد، و در طی چند دهه گذشته مطالب زیادی در این زمینه‌ها نوشته شده است. با اینحال این مسئله توسط محققان ایرانی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و مسایلی که از این نظر میتواند در جامعه ایرانی مطرح باشد، هنوز آنچنان که میباشد تجزیه و تحلیل نشده است. در این مقاله «دکتر شاپور راسخ» استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و معاون سازمان برنامه و بودجه «مسائل پژوهش، و بویژه پژوهش در علوم اجتماعی در ایران را از دیدگاه جامعه‌شناسی اقتصادی و برنامه‌ریزی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است، و مسایلی که در آن مطرح شده است میتواند راه‌گشای بررسی‌های ویژه‌ای در این زمینه باشد.

* * *

مقدمه

در تحقیق و پژوهش به معنای وسیع کلمه، که از بررسی ساده توصیفی آغاز میشود، و به تحقیقات اساسی و تطبیقی، همراه با تجزیه و تحلیل و تبیین و تعلیل پدیده‌ها با استفاده از روش‌های گونه‌گون خاتمه می‌یابد، از نظر گام‌های مختلف میتوان نگریست و از آن جمله است از دیدگاه جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت، برنامه‌ریزی، و غیر آن.

گفتگو در اقتصاد پژوهش در علم اقتصاد تازه‌گی ندارد. از هنگامی که اقتصاد شناس بنام «شومپتر» (P. Schumpeter) بد تحقیق در مورد تاثیر نوآوری و اختراع و اکتشاف در تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری در طول زمان روی آورد، تا بررسی‌های تازه در محافل بین‌المللی، همه جا تحقیق و توسعه اکتشافات

نامه پژوهشکده، سال دوم،
شماره دوم، تابستان ۲۵۳۷

واختراعات علمی و فنی را از جمله عوامل عمده تولید و رشد و نمای سریع جامعه ما به حساب می آورند. به زبان دیگر، پژوهش فعلی است از نظر اقتصادی موجه، یعنی فعالیتی که بازده کافی دارد. تحقیق، بنیاد اختراع، و اختراع وسیله تحول و تکامل وسایل تولید است. باید بپذیریم که این تحول و تکامل - حتی اگر به اندازه «مارکس» در تأثیر عوامل مادی مبالغه نکنیم - از مهمترین عوامل دگرگونی به حساب می آید.

مطالعات محققان در مورد عوامل رشد و توسعه سریع ایالات متحده آمریکا، طی شصت سال اولیه این قرن به این نکته رسیده است که در جنب عوامل کلاسیک تولید (زمین و منابع طبیعی - سرمایه و نیروی کار) باید جای ممتازی برای عوامل نوین چون مدیریت، تکنولوژی و اشاعه دانش قائل شد و مسلماً تحقیق در پیشرفت تکنولوژی را، عاملی بس مؤثر باید محسوب داشت. بقول یکی از اقتصاد شناسان بنام، کالی است که یک مخترع، مکشف، یا نوآور بزرگ در یک نسل ظهور کند، تا همه هزینه‌هایی که صرف تربیت و تعلیم آن نسل شده جبران شود، و مسلماً تحقیق زیربنای مستحکم نوآوری، اختراع و اکتشاف است. بی جهت نیست که کشورهای پیشرفته عالم از ۲ تا ۳ درصد و گاه به نسبت بیشتری از درآمد ملی خود را به تحقیق اختصاص می دهند، و اختصاص حداقل یک درصد همین درآمد را در کشورهای در حال رشد، بدین منظور توصیه می کنند.

اقتصاد تحقیق را از چند منظر عمده، میتوان مورد بررسی قرار داد:

- یکی از نظرنوع تحقیق در ارتباط با نیازهای جامعه، که از این بابت مهمترین سوالی که مطرح میشود، این است که، آیا اولویت از آن تحقیقات بنیادی و شانوده‌ای در زمینه‌های نظری است، یا باید به تحقیقات تطبیقی با کاربردی رجحان داد؟

- منظر دوم، رشته یا عرصه تحقیق است، که بطور مثال پژوهش در رشته‌های ریاضی، طبیعی، حیاتی، ادبی و غیر آن از جهات مختلف، منجمده جهت اقتصادی، چگونه مطرح میشود، و به کدام یک از آن عرصه‌ها باید در مراحل مختلف رشد و توسعه اقتصادی، اولویت داد؟

- نظرگاه سوم که بیشتر مورد عنایت ماست، بررسی تحقیق از دیدگاه اقتصاد درونی آن، یعنی از نظر وجود عوامل و منابع تحقیق است که از این لحاظ در موضع و موقع خاص ایران به کدام نوع یا رشته تحقیقات باید رجحان قائل شد؟

- و بالاخره موضوع پژوهش از دیدگاه مدیریت، سازمان و از جهت کارفرما و متقاضی تحقیق نیز مطرح میشود که بنوبه خود، سخنی درباره آن خواهد آمد.

تحقیق از نظر ماه نوع و رشته

بطور کلی میتوان گفت که در جامعه‌های غربی، یعنی در جوامعی که از پیشرفت

صنعتی و فنی بر خورداری کافی دارند، اولویت خاص برای تحقیقات فنی، صنعتی، نظامی و مانند آن قائل هستند. چنان که اصحاب جامعه شناسی معرفت، چون «گورویچ» باز نموده اند، با قبول آن که در آغاز قرون جدید شناخت علمی مبنای معرفت علمی و فنی بود، در حال حاضر غالباً معرفت فنی (چون تحقیقات اتمی، فضایی، الکترونیک، لیزر و مانند آن) معرفت علمی را به دنبال خود می کشد. در مقابل، در کشورهای در حال رشد، محتملاً تحقیقات در رشته های علوم انسانی و اجتماعی، بر پژوهش در زمینه تکنولوژی و امور کاربردی، غلبه دارد.

وضع ایران از این بابت، بیشتر به کشورهای پیشرفته شبیه است، تا به ممالک در حال رشد. البته با کشورهای پیشرفته هم تفاوت هایی در میان است که نادیده نباید گرفت.

در ایران، گزارش های متعدد، حاکی از آن است که نسبت اعتبارات، مخصوص تحقیق و بررسی در بودجه عمومی دولت، نسبت به تولید ناخالص ملی به قیمت جاری، به آهنگی آهسته رو به افزایش است؛ چنان که از حدود ۲۸ درصد طی سالهای ۲۵۲۷-۲۵۳۲ به حدود ۳۱ درصد در سالهای ۲۵۳۵-۲۵۳۳ بالغ شده است (۱). تفکیک مصارف بودجه تحقیق و بررسی به بخش های عمومی، اجتماعی و اقتصادی حاکی از آن است که اولویت تام، با امور اقتصادی است (به ترتیب اهمیت شامل کشاورزی، توسعه منابع آب، توسعه و تأمین نیروی برق، توسعه صنایع، توسعه حمل و نقل و ارتباطات، توسعه بازرگانی، توسعه معادن، توسعه پست و مخابرات و بالاخره توسعه جهانگردی) که ۷۳ درصد اعتبارات را بطور متوسط بخود اختصاص میدهد، و این گواه آن است که ما هم داریم روش کشورهای پیشرفته تر را اتخاذ می کنیم و به آنچه موجب گسترش علوم تطبیقی و فنون و بهبود معیشت آدمیان می شود، اولویت می دهیم.

توزیع مؤسسه ها، سازمان ها، مراکز و واحدهای پژوهشی در ایران که «شورای پژوهش های علمی کشور» از آن ها فهرست برداری کرده، باز گواه آن است که از ۶۵ مؤسسه، ۲۷ مؤسسه به علوم انسانی و اجتماعی و اقتصادی مربوط میشود و در مقابل، ۳۸ مؤسسه باقی مانده به علوم پزشکی، علوم پایه، علوم مهندسی و علوم کشاورزی مربوط است (۲).

علاوه بر آن چه رفت، گزارش سالانه «شورای توسعه و تشویق پژوهش های علمی کشور»، در سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی، حاکی از آن است که از کل طرح های تصویب شده در شورا در سالهای ۲۵۳۵-۲۵۳۱ که بالغ بر ۵۸۹ طرح بوده است، فقط ۴۴ مورد ویژه علوم انسانی و اجتماعی بوده و بقیه به پزشکی (۲۳۲)، علوم پایه (۹۱)،

کشاورزی (۱۲۰) ، و مهندسی (۱۰۲) اختصاص داشته است . پس باید تصدیق کنیم که ما هم دستار فنون و چنانچه اشارت رفت اقتصاد گرای شده ایم و با منطق «بازده» پژوهش در انسان و جامعه و فرهنگ او را قدر و وزنی چندان نمی نهیم .

پیش از آنکه بحث تازه خود را در مورد عوامل و منابع تحقیق یا بررسی اقتصاد درونی تحقیق آغاز کنیم ، ذکر این نکته را مفید میدانیم که هر چند به ظاهر تحقیقات کاربردی ، در کوتاه مدت ، فایده اقتصادی مسلم دارند ، اما غافل از این حقیقت نباید شد که تحقیقات اساسی در طول زمان کاربرد پیدا می کند و فواید اقتصادی گاه مهمتری بیار می آورد . این نکته ای است که اکنون کشوری چون ژاپن ، که مدتی به کار بست تحقیقات دیگران کنایت می کرد ، خود نیز پژوهش را در موارد بسیار مورد عنایت قرار داده است .

تحقیق از نظر عوامل و منابع

اقتصاد تحقیق ، مستلزم آن است که برای آن گونه پژوهشها (نوع - رشته) که از منابع موجود در جامعه بیشتر بهره گیری میکند ، اولویت قائل شویم . به عبارت روشن تر اگر سرمایه علمی ، نیروی انسانی ، وسایل و تجهیزات آن نوع یا رشته تحقیقات در کشوری وجود داشته باشد ، باید به آن نوع یا رشته ترجیح داد .

در کشور خودمان ، هر گاه مزیت نسبی انواع و رشته های تحقیقات را مورد بررسی قرار دهیم ، به این نتیجه میرسیم که در مورد کادر تحقیقات ، متأسفانه آمارهای موجود بسیار نارساست و کادر تمام وقت از کادر بهره وقت به درستی متمایز نگردیده است . با آن که اطلاعات در مورد نیروی انسانی شاغل در کار تحقیق و بررسی محدود ، و از جهت کیفی نارساست (۳) ، اما از شمار فارغ التحصیلان علوم انسانی و اجتماعی میتوان برداشت کرد که در این عرصه ، نیروی انسانی ما ، قوی تر و وسیع تر از سایر رشته ها و بخشهاست . جمع فارغ التحصیلان علوم اجتماعی و انسانی در فاصله سالهای ۲۵۲۷-۲۵۳۵ متجاوز از یکصد هزار نفر بوده ، و حال آن که در کلیه رشته ها (شامل پزشکی ، علوم پایه ، کشاورزی ، مهندسی و بالاخره علوم اجتماعی و انسانی) ، عدد مذکور ، اندکی از ۱۸۸ هزار نفر میگذشته است ، علی هذا از جهت اقتصادی ، توجیه کافی در تشویق پژوهش های علمی در رشته های انسانی و اجتماعی بوده و هست .

از نظر منابع ، چنان که همه اطلاع داریم ، سنت علمی دوران تمدن اسلامی ، کمتر با علوم طبیعی و ریاضی ، و بیشتر با الهیات و علوم دینی و کلام و فقه و فلسفه و اخلاق و ادبیات و نظایر آن سروکار داشته و از جهت اسناد و ماخذ میتوانیم بپشتوانه غنی و نیرومندی برای پژوهش های امروزی خودمان در همین رشته ها (جز چند علم

مانند اقتصاد ، جمعیت‌شناسی و نظایر آن که سابقه اسلامی آن، تا اندازه‌ای محدود است)، در حیطه اختیار خویش آوریم .

از نظر سرمایه ، البته باید اذعان کرد که تاکنون فوریت و اولویت توسعه اقتصادی و صنعتی و فنی، در برنامه ریزی کشور ما ، مجال کمتری به جلوه و نمود پژوهش-های انسانی و اجتماعی داده است. اما حقیقت این است که در چند سال اخیر، به مرحله‌ای از رشد و توسعه اقتصادی رسیده‌ایم که مسایل انسانی - اجتماعی و فرهنگی ، از لحاظ ادامه حیات ملی ما ، اهمیتی بیش از هر مسئله اقتصادی و فنی حاصل کرده است. اولاً حوادث و وقایع ما را به تفکر مجدد ، در مطلوبیت رشد بی مهار تعادل گسل واداشته است . ثانیاً مسایل اجتماعی ناشی از رشد شتابزده ، هم اکنون دست به گریبان جامعه ما است (از مسایل مربوط به شکاف بین نسلها و تزلزل خانواده گرفته تا موضوع توزیع درآمد بین گروه‌ها و قشرهای مختلف) . ثالثاً صنعت و فن ، از جمله همین وسایل ارتباط جمعی هم چون دیگر محصولات تکنولوژی نوین ، ما را در مقابل مسایل پیچیده و بفرنج و ناشناخته‌ای قرار داده است ، چون مسئله هویت ملی و فرهنگ ملی و آسیب‌پذیری آنها از تهاجم و دست اندازی الگوهای غرب که هنوز باسختی برای آن نداریم ، و ناچار باید دست در دامان تحقیقات انسانی و اجتماعی زنیم . پس ، از تقویت و تشویق تحقیقات مذکور ، در سالهای آینده گزیر نداریم ، خصوصاً که اراده آن داریم که تمدن جدید و شکوهمندی را بنیان گذاریم که مسلماً در آن اگر يك ستون برصنعت و تکنولوژی مبتنی است ، ستون دیگر باید بر فرهنگ و شرف انسانی متکی باشد .

تحقیق از نظر کارفرمایی ، مدیریت و سازمان

میدانیم که کارفرمای اصلی تحقیقات در ایران ، دولت و بخش عمومی است . کارفرمایی این بخش ، خود بخود نتایجی به دنبال دارد که به پاره‌ای از اهم آنها باید اشارت کرد :

- یکی آن که دولت تحقیقات معطوف به توسعه (Developmental) و تحقیقات تطبیقی یا کاربردی را بر تحقیقات نظری و اساسی ترجیح میدهد . از این رو در ایران تحقیقات کشاورزی و بهداشتی درصاف اول انواع تحقیقات قرار گرفته است .
- دوم آن که نوعی محدودیت در انتخاب موضوعات تحقیق در جهت سودمندی فوری آنها به چشم میرسد .

- نتیجه سوم ، « بوروکراتیزاسیون » یا دیوانی‌شدن تحقیقات است که طبعاً تقید به سلسله مراتب ، اسارت در چنگ مقررات و فقدان انگیزه شخصی کار ، از مظاهر آن است .

چون در داخل نظام دولتی، نقل و انتقال زیاد به چشم میخورد، باید قبول کرد که از این وضع، نوعی عدم ثبات در حرفه تحقیق حاصل میشود. کسانی که همه عمر خود را وقف پژوهش و تحقیق در دستگاه دولتی کرده باشند، به حقیقت انگشت شمارند.

از جهت مدیریت تحقیق، شاخص مهم دیگر تحقیقات در ایران، نقش محدود دانشگاههاست که حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد کل اعتبارات تحقیقی را بیشتر در اختیار ندارند، و البته قسمتی از تحقیقات آنها به امور اساسی و نظری معطوف است که دولت چندان طالب آن نیست.

یک نکته را در مورد کارفرمایی تحقیق ناگفته نگذاریم و آن، تاثیر مثبتی است که در سالهای اخیر «شورای توسعه و تشویق پژوهشهای علمی» در رونق تحقیقات ایجاد کرده است و از این بابت اگر عیب را گفتیم، هنرا هم پوشیده نداشته باشیم. چون سخن بر سر کارفرمایی تحقیق است، باید اشارتی کرد به آنکه چرا بخش خصوصی در ایران رغبت چندانی به پژوهشهای علمی و فنی ندارد؟

علل این امر، متعدد است. یکی آنکه صنایع نوین ایران در بخش خصوصی، اتکای مفرطی بر تکنولوژی وارداتی از غرب دارد و کارفرما ترجیح میدهد که بجای سرمایه گذاری در تحقیق، از حاصل تحقیقات خارجی با خرید پروانه استفاده از آن، بهره جوید. میدانیم که بیش از هشتاد درصد واردات کشور، از کالاهای سرمایه ای و کالاهای واسطه ترکیب شده است و سهم ارزش افزوده در خارج، در بهای فرآورده صنایع نوین ما هنوز غالباً بالاتر است.

علت دوم، به عدم تسهیل کافی در قوانین مالیاتی مربوط است که بخش خصوصی ایران را به سوی سرمایه گذاری در تحقیق، چنان که در آمریکا معمول است، سوق نمیدهد. شق دوم بند «ت» ماده ۱۲۶ «قانون مالیاتهای مستقیم» که در آن «هزینههای تحقیقاتی و آزمایشی و آموزشی مربوط به فعالیت مؤسسه» جزء هزینه های قابل قبول برای شمول معافیت مالیاتی منظور شده به علت آن که دفاتر اغلب مؤدیان مالیاتی نمیتواند مورد قبول وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار گیرد، در عمل کاربردی ندارد. نبودن یک سیاست جامع جدی برای انتقال تکنولوژی در کشور ما، زمینه را

بر ایجاد تمایل تحقیق در بخش خصوصی ایران هموار نمیکند. منشاء اجتماعی بسیاری از اصحاب صنایع که از سوداگری زمین و تجارت، به صنعت روی آورده اند، چنان است که راه گشای درک درست مقتضیات فعالیت و رقابت در دنیای کنونی نیست. قشر کار-آفرین (انترپرنور) به مفهوم «شوپتر» اصطلاح، به علل تاریخی، توسعه کافی نیافته است و در نتیجه ما شاهد توافقی از ارزش اقتصادی تحقیق در بخش خصوصی

ایران هستیم. در سالهای اخیر، حمایت‌های دولتی برای توسعه صنایع کوچک و متوسط و افزایش رقابت در بازارهای بین‌المللی و ادار نکرده است، و مسلماً تحقیق، توسعه و نوآوری از عوامل عمده این «آماده‌سازی» است.

ناگفته نگذاریم که فضای اجتماعی و فرهنگی ایران امروز هم قدر و مقامی شایسته برای محقق و بیشتر پژوهش‌قائل نگردیده است. مردم بدنبال منافع سرشار که در مدت کوتاه به دست‌آید می‌روند، و جاذبه‌های معنوی، آن قدرت دیرین را ندارد.

اقتصاد مدیریت تحقیق

اصل مدیریت اقتضا میکند که اولاً تا بدان‌جا که ممکن است، براساس یک سیاست علمی روشن و پخته و متن برنامه‌ای جامع برای تحقیقات، با رعایت اولویت تهیه شود. ثانیاً از براه‌اندگی تحقیقات، ناهماهنگی و تکرر بیهوده آن‌ها احتراز گردد. ثالثاً موجباتی برای همکاری محققان فراهم شود و حتی‌المقدور با رعایت اصل «اقتصاد مقیاس‌های بزرگ» سازمانهای وسیع تحقیقی براساس کار دسته جمعی (Team Work) بوجود آید. این نکات اکنون در جامعه ما کمتر مطمح نظر بوده است. هنوز پژوهشگران ما برآکنده هستند و بین کارهای آنان هماهنگی دیده نمیشود و طبیعتاً انفراد‌گرایی و منزوی اکثر محققان رغبت کار دسته جمعی در گروه‌های متشکل را در آنان بوجود نمی‌آورد. این خصالت ایرانی را، به‌عنوان یک «داده قضیه» باید پذیرفت و موجباتی ایجاد کرد که تحقیقات انفرادی هم به‌مسئولیت اشخاص محقق، در ایران از رونق و زوواج نیفتد. البته این امر در انتخاب موضوع تحقیق مؤثر است. در جوار این نوع حمایت از افراد محقق، باید وسایلی فراهم کرد که محققان در انجمن‌های مختلف، چون انجمن علوم اجتماعی، و انجمن روان‌شناسی، که هم‌اکنون وجود دارد، گردهم آیند و بتدریج روحیه همکاری، تقویت و تعمیم یابد.

مدیریت تحقیق را، از دیدگاه شخص محقق دیدیم ولی از نظر شخص یا اشخاص که موضوع تحقیق میشوند، نیز باید نگاه کنیم. بر روی هم در جامعه ما، آمادگی افراد برای همکاری در پاسخ سئوالات مستقیم تحقیقی - خصوصاً در مسایل حساس - کم است و از پرسش‌های غیر مستقیم و «Projective» بیشتر نتیجه حاصل میشود. محقق ایرانی که با آدمیان سروکار دارد، به این نتیجه رسیده است که: «خوشتر آن باشد که سر دلبران - گفته‌آید در حدیث دیگران» . مردم دوست ندارند که عقایدشان صریحاً درباره‌ی مطالب حساس پرسیده شود، ولی اگر از آنان بپرسیم که دیگران چه فکر میکنند

در بسیار موارد نظر خود را در قالب فکر دیگران عرضه می‌دارند . پس اقتصاد مدیریت تحقیق ایجاب می‌کند که اولاً سئوالاتی مطرح کنیم که امکان دریافت پاسخ آن هست و ثانیاً آن سئوالات بنحوی مطرح شود که پاسخ بر آن‌ها میتوان گرفت .

آن چه در این گفتار درباره اقتصاد تحقیق آمد ، البته در این مرحله از شناخت واقعیات در ایران ، جنبه خام و مقدماتی دارد و مراد فقط طرح موضوع بود ، تا در آینده بررسی‌های دقیق‌تر و ژرف‌تر ، نه فقط ابعاد تازه‌ای را ارائه کند ، بلکه امکان رسیدن به احکام و قضایای مطمئنی را در این عرصه به دست دهد .

زیرنویس‌ها

- ۱- رجوع‌شده گزارش مرحله اول کار کمیته مشترك برنامه‌ریزی علوم و پژوهش ، مهر و آبان ۲۵۳۵ ، سازمان برنامه .
- ۲- گزارش نهایی کمیته مشترك برنامه‌ریزی علوم و پژوهش ، دی ماه ۲۵۳۵ .
- ۳- تنها آقای دکتر سیروس قراچه داغی در گزارش وضع تحقیقات در بخش عمومی (آبان ماه ۱۳۵۰ ، چاپ سوم) تصویری در این مورد ارائه کرده است ، که تنها به بخش عمومی مربوط است و همه جامعه را شامل نمی‌شود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی